

به نام خدا

# وقوع احساس استقلال طلبی و خودشکوفایی در دانش آموزان

مؤلف :

فاطمه محمد علیزاده بازنشین

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: محمد علیزاده بازنشین، فاطمه، ۱۳۷۲  
عنوان و نام پدیدآور: وقوع احساس استقلال طلبی و خودشکوفایی در دانش آموزان/ مولف  
فاطمه محمد علیزاده بازنشین.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۳ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۵۴-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: دانش آموزان - استقلال طلبی - خودشکوفایی  
رده بندی کنگره: PN۲۱۸۰  
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۴۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۹۰۲  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: وقوع احساس استقلال طلبی و خودشکوفایی در دانش آموزان  
مولف: فاطمه محمد علیزاده بازنشین  
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۱۰۳۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۱۵۴-۴  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: خودشکوفایی
۱۱	پیش بینی موفقیت
۱۳	هوش هیجانی
۱۳	عزت نفس
۱۴	بحث خودآگاهی
۱۷	نتایج و آثار خودآگاهی:
۱۹	فصل دوم: نقش خودشناسی در استقلالطلبی
۱۹	نظریات خودشناسی
۲۰	خودشناسی در یونان باستان
۲۰	سقراط
۲۱	ارسطو
۲۱	محمد زکریای رازی
۲۶	زیگموند فروید
۲۷	شلی دووال و رابرت ویکلاند
۲۸	دانیل گلمن
۲۹	کارل گوستاو یونگ
۲۹	شرایط فردیت یافتن
۳۰	نوام

۳۱	هارتز
۳۱	کارن هورنای
۳۲	آبراهام مازلو
۳۲	نظریه پنجره جوهری جوزف لوفت و هری اینگهام
۳۴	ساتون
۳۵	سیلویا و اوبراین
۳۵	نظریه های دیگر درباره خودشناسی
۳۵	مدل های مختلف تبیین خودشناسی
۳۵	۱. مدل مشاهده‌ی بدون واسطه
۳۵	۲. مدل شفافیت
۳۶	۳. ساخت‌گرایی اجتماعی
۳۶	۴. خودِ ظاهری
۳۶	۵. خودِ روایی
۳۷	۶. نظریه‌ی ادراک از خود ( نظریه خودپنداره)
۳۷	نظریه خود آگاهی و تن آگاهی و درمان اختلالات خواندن و نوشتن
۳۸	● تعریف نارساخوانی یا دیسلکسیا:
۳۸	● تعریف روش های ترمیمی:
۴۱	● تسلط بر نماد یابی:
۴۳	ویژگیهای افراد خودشکופا از دیدگاه راجرز
۴۳	ویژگیهای افراد خود شکופا از دیدگاه مازلو
۴۶	انتقاد از نظریه خود شکوفایی

۴۶	نحوه ایجاد روابط سالم
۴۷	بررسی افراد خودشکופا
۴۷	فراانگیزش
۵۰	ویژگیهای افراد خود شکופا از دیدگاه مازلو
۵۳	نظریه های انسان گرا / وجودی
۵۶	نقد انسان گرایی CRITIQUE OF HUMANISM
۵۷	الگوهای جدید تدریس
۵۸	الگوی دریافت مفهوم:
۵۸	مراحل آموزش:
۵۹	تعریف بارش فکری:
۶۰	مراحل روش بارش فکری:
۶۰	نقش مدرسه و معلمان در بروز شکوفایی و نوآوری استعدادها دانش آموزان
۶۲	راههای تقویت ارزشهای اخلاقی در دانش آموزان
۶۲	تعریف رشد از دیدگاه روانشناسان رشد:
۶۲	چندگونگی رشد:
۶۳	مهارت خودآگاهی در کودکان
۶۳	تعریف مهارت خودآگاهی در کودکان
۶۳	فواید خودآگاهی
۶۴	اهمیت خودآگاهی در کودکان
۶۴	آموزش مهارت خودآگاهی در کودکان
۶۶	مهارتهای خود آگاهی

۶۶	گام اول؛ خودآگاهی یا شناخت ویژگی خود
۶۸	موانع خودآگاهی
۶۸	تمرین‌های کسب خودآگاهی:
۷۰	فعالیت‌ها و استراتژی‌های گوناگون به منظور آموزش خودآگاهی به دانش‌آموزان ...
۷۱	آموزش خودآگاهی به دانش‌آموزان از طریق روش‌ها و استراتژی‌های مختلف
۷۱	۱- نقاط و ویژگی‌های مثبت و مورد علاقه خود را بنویسند
۷۲	۲- درباره افکار، اعمال و احساسات خود صحبت کنند
۷۲	۳- آرزوهای خود را بنویسند و برای رسیدن به آنها تلاش کنند
۷۳	۴- از نقاط قوت و استعدادهای خود استفاده کنند
۷۳	۵- فعالیت‌های ورزشی مانند یوگا و مدیتیشن انجام دهند
۷۴	۱- تصمیم‌های بهتری برای زندگی می‌گیرند
۷۴	۲- روابط اجتماعی بهتری تشکیل می‌دهند
۷۵	۳- به آدم‌های خوش بین تبدیل می‌شوند
۷۵	۴- تفکر آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد
۷۵	آموزش خودآگاهی به دانش‌آموزان و تأثیر آن بر عقاید آنها
<b>۷۷</b>	<b>فصل سوم: استقلال طلبی</b>
۷۷	استقلال کودکان
۸۰	علت استقلال طلبی نوجوانان چیست؟
۸۱	مزیت‌های افزایش استقلال در نوجوان
۸۱	علائم استقلال طلبی ناسالم در نوجوانان
۸۲	چقدر باید به فرزند نوجوانم استقلال بدهم؟

- تنظیم سبک فرزند پروری ..... ۸۲
- تعیین حد و حدود برای نوجوان مستقل ..... ۸۲
- راهکارهای پرورش استقلال در نوجوانان ..... ۸۳
- نشان دادن علاقه، عشق و حمایت به نوجوان ..... ۸۳
- احترام به احساسات و باورهای نوجوان ..... ۸۳
- کمک به رشد مهارت های مورد نیاز برای مستقل شدن ..... ۸۴
- فراهم سازی فرصت برای تمرین استقلال طلبی ..... ۸۴
- حل مثبت و موثر تعارضات والد-فرزندی ..... ۸۵
- چرا کودکان باید مستقل بودن را بیاموزند؟ ..... ۸۶
- مراحل رشد استقلال شخصیت کودک ..... ۸۶
- تشخیص تمایز جسمانی و روانی (۹-۵ ماهگی) ..... ۸۶
- تمرین جدایی (۹-۱۵ ماهگی) ..... ۸۷
- شک و تردید بین نزدیک خواهی یا جدایی طلبی (۱۵-۲۴ ماهگی) ..... ۸۷
- تثبیت فردیت (کودکان پیش دبستانی) ..... ۸۷
- تمرین مهارت های زندگی (کودکان دبستانی) ..... ۸۸
- تمرین آمادگی برای استقلال کامل (نوجوانی) ..... ۸۸
- چگونه کودک مستقل تربیت کنیم؟ ..... ۸۹
- سرزنش، تحقیر و طرد نکنید ..... ۸۹
- نازپرورده و لوس بار نیاورید ..... ۸۹
- خودانگیختگی کودک را کور نکنید ..... ۹۰
- فشار درسی، خانوادگی و مالی نگذارید ..... ۹۰

- فرصت کنجکاوی و اشتباه کردن را نگیرید..... ۹۱
- راهکارهایی برای کمک به دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به یادگیرندگان مستقل ... ۹۱
- دستورالعمل‌های واضح و مشخص ارائه دهید..... ۹۲
- بر کار دانش‌آموزان نظارت داشته باشید و پیگیر فعالیت‌هایشان باشید..... ۹۲
- رویه‌هایی برای انجام کار ایجاد کنید..... ۹۳
- تکالیف دانش‌آموزان را بررسی کنید و بازخورد منظم ارائه دهید..... ۹۳
- روال مشخصی برای انجام تکالیف تعیین کنید..... ۹۴
- دانش‌آموزان را تشویق کنید که مشارکت داشته باشند..... ۹۴
- مطمئن شوید که دانش‌آموزان منابع کافی دارند..... ۹۵
- به دانش‌آموزان کمک کنید با انگیزه بمانند..... ۹۵
- مشوق تفکر انتقادی باشید..... ۹۶
- با دانش‌آموزان خود ارتباط برقرار کنید..... ۹۷
- آموزش را با سرگرمی همراه کنید..... ۹۷
- دانش‌آموزان خود را به استفاده از منابع خارج از کلاس تشویق کنید..... ۹۸
- به دانش‌آموزان برای افزایش مهارت‌های مدیریت زمان کمک کنید..... ۹۸
- نتیجه‌گیری..... ۹۹
- منابع:..... ۱۰۱**



## پیشگفتار

همه پدر و مادرها امیدوارند که روزی نوجوانانشان، بزرگسالانی توانمند و متکی به خود باشند. این موضوع به خودی خود چیز بدی نیست. در واقع استقلال طلبی در نوجوان به او کمک می کند تا وارد جامعه شود و مسئولیت های اجتماعی خود را بپذیرد. نوجوانی، گذر از کودکی به بزرگسالی است. مانند هر سن دیگری ویژگی های رفتاری و نیازهای رشدی خاص خود را دارد. یکی از ویژگی های نوجوانی، مستقل بودن فرزند از خانواده خود است. نوجوان به تدریج از خانواده دور می شود و به سمت گروه های دوستی می رود. او با همسالان خود، مهارت های اجتماعی، خودشناسی و نقاط قوت و ضعف شخصیتی خود را می آموزد. والدین از آنجایی که نمی دانند نوجوانی چه ویژگی هایی دارد، نگران استقلال خواهی فرزندانشان در دوران نوجوانی می شوند.

اصول نظریه پردازی راجرز بر این امر مبتنی است که او سعی می کند به فرد کمک کند تا استعدادهای بالقوه خود را شکوفا سازد. راجرز همانند سایر نظریه پردازان انسان گرا معتقد است که خودشکوفایی - یعنی گرایش و تمایل ذاتی به فعلیت درآوردن ویژگی ها و تواناییهایی که فرد با آن متولد می شود- به عنوان یک قاعده کلی و اصول بدیهی است. خود شکوفایی به عنوان یک اصل بدیهی نه به اثبات نیاز دارد و نه به توجیه. وقتی یک نظریه بر اساس اصول بدیهی بنا شود، هیچ چیز اشتباه و غلطی در آن دیده نمی شود. در ریاضیات همانند علوم از اصول بدیهی استفاده می شود، اما مشکل اینجاست، آنچه برای یک فرد اصل بدیهی است امکان دارد، برای فرد دیگری بدیهی نباشد. تا حدودی این محدودیت در نظریه پدیدار شناختی به چشم می خورد. در ضمن نگرش و اعتماد ما به خودشکوفایی بستگی به دیدگاه ما نسبت به ماهیت انسان دارد.

هر عقل سلیمی می داند که هدف اصلی از آموزش و پرورش دانش آموزان یک چیز است و آنهم موفقیت آنها در زندگی، اما شرط موفقیت با توجه به ماموریت و قدرتهایی که خداوند حکیم در اختیار مخلوق بی همتای خویش قرار داده کدامها هستند؟ قبل از آن تعریف و ملاک موفقیت چیست آیا فقط پرورش یک ذهن علمی قوی برای آنها کافی است؟ موفقیت فرایندی است که در هر فرهنگی بر اساس بافت فرهنگی آن این فرایند بار ارزشی خاص خود را پیدا میکند در جامعه ما موفقیت چگونه تعریف میشود؟ برای مدتهای طولانی نگرش حاکم این بوده است که از طریق تعیین میزان توانایی های شناختی افراد می توان موفقیت زندگی آینده آنها را پیش بینی کرد. قبول این نگرش باعث شده بود تا محتوا و برنامه های آموزشی مدارس و ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان فقط بر اساس رشد و توانایی شناختی (قدرت تفکر) آنها باشد و به سایر ابعاد وجودی جامعه و دانش آموزان از توجه کمتری شود. با اندکی تامل در قضاوتهای صورت گرفته در مورد توانایی دانش آموزان و پیش بینی برای موفقیت آنان می توان ملاحظه کرد که نظام آموزشی ما از اولین سالهای تحصیلی گرفته تا تحصیلات عالی بیشتر بر اساس نمره های است که معرف میزان توانایی ها و مهارتهای شناختی آنها می باشد. در اینجا می توان یک سوال را مطرح کرد که آیا دانش آموزانی که دارای نمرات تحصیلی بالایی بوده اند به همان اندازه در زندگی خود موفق بوده اند و بالعکس؟ و سوال مهم تر اینکه فرهنگی که به انا لله انا الیه راجعون معتقد است چه افرادی را موفق میداند؟ یافته های تحقیقی جمع آوری شده بر روی رابطه موفقیت در طول زندگی و برخورداری از میزان هوش شناختی این نکته را اثبات می کند که یک رابطه خطی بین این دو متغیر وجود ندارد و این جور نیست که تنها عامل موفقیت در زندگی ذهن پر از معلومات شناختی محض باشد در خیلی از مواقع چنین نمراتی نتوانسته اند به عنوان یک پیش بینی کننده مطمئن موثر واقع شوند.

## فصل اول: خودشکوفایی

### پیش بینی موفقیت

محققین و متخصصین علوم انسانی به این نتیجه رسیده اند که پیش بینی موفقیت افراد فقط بر اساس توانایی های شناختی یک نگرش کوتاه بینانه در رابطه با هوش و موفقیت افراد می باشد و یکی از علل آن تعریف محدودی است که تا کنون از اصل و ماهیت انسان داشته اند . با قبول این نگرش در هنگام مطالعه و تصمیم گیری برای دانش آموزان باید کلیت آنها مورد ملاحظه قرار گیرد و بپذیریم که رشد انسان باید عرضی و همه جانبه باشد. تغییر نگرش ها در دهه های اخیر نظریه های بنیادی در رابطه با هوش و موفقیت دچار تغییر و تحول زیاد کرده است و نظریات جدید بطور مرتب جایگزین آنها می شوند . در سال (۱۹۸۳) نظریه هوش چندگانه هووارد گاردنر و در سال ( ۱۹۹۰ ) نظریه هوش هیجانی توسط جان میر و پتر سالووی معرفی و در سال (۱۹۵۵) توسط دانیل گلمن بسط داده شده است . پیام اصلی نظریات جدید این است که موفقیت افراد به چند نمونه از هوش وابسته است و بیشتر تابع توانایی شناخت و کنترل عواطف می باشد . از نظر میر و سالووی هوش هیجانی به توانایی شناخت و کنترل احساسات مربوط می شود و نقش بسیار مهمی در سرنوشت افراد بازی می کند . توان شناخت و کنترل احساسات خود و دیگران تا حد زیادی اکتسابی می باشد و چنانچه در سنین اولیه زندگی ساخت بهتری به خود بگیرد توسعه این توانایی در سنین بالا راحت تر می باشد و به همان اندازه توان فرد را در برخورد و مقابله با محرکها بیشتر می کند و راحت تر می تواند چالش هاو مسائل احتمالی را شناسایی و آنها را حل کند. گلمن ( ۱۹۹۵)

مدعی است که چیزی حدود ۲۰ درصد از موفقیت آینده افراد را می توان از طریق توانایی های شناختی آنها پیش بینی کرد و ما بقی به هوش اجتماعی - هیجانی و دیگر فرصت های آنها در زندگی وابسته است .

اگر اهمیت هوش هیجانی در تعیین سرنوشت افراد تا این اندازه است چرا نباید تدریس مولفه های آن را به دانش آموزان شروع کنیم . اگر داشتن سطح بالایی از این سازه ضامن موفقیت افراد در زندگی است ، برای مدارس این مهم در اولویت قرار دارد که آموزش مولفه های این سازه را به برنامه های درسی دانش آموزان الحاق و از این طریق احتمال موفقیت حال و آینده آنها را افزایش دهیم . به عقیده نظریه پردازان هوش هیجانی، ماهیت این نوع از توانایی فردی متفاوت از توانایی های شناختی او می باشد ، بدین رو آموزش آن مستلزم بکار گیری روش های جدید و متناسب با ماهیت این سازه است . برخورداری از میزان این نوع توانایی تا حد زیادی به بافت فرهنگی محل زندگی فرد وابسته است و چنانچه در صدد توجه دقیق به این سازه هستیم در ابتدا باید شواهد علمی - جامعه شناختی مربوط به تعریف آنرا با توجه به بافت فرهنگی مورد نظر فراهم و رابطه آنرا با سایر سازه ها و پدیده های زیستی ، روانی و اجتماعی شناخته شده شناسایی و سپس شروع به آموزش آن کنیم . اکنون یکی از جنبه های شناخته شده یا بهتر است بگوییم یکی از توانایی های شناخته شده درونی هوش هیجانی می باشد و به خاطر اهمیت آن تحقیقات زیادی در رابطه با ماهیت ، روشهای آموزش و روش های اندازه گیری آن انجام گرفته یا در حال انجام می باشد . تحقیقات صورت گرفته در رابطه با این سازه یافته هایی از این قبیل فراهم کرده اند که هوش هیجانی با متغیر هایی از قبیل جنسیت ، سن ، میزان تحصیلات ، سبک های زندگی و جو خانواده ، بافت و مقتضیات فرهنگی ، اعتقادات مذهبی ، نوع ارتباطات با افراد پیرامون و آمادگی های زیستی - روانی افراد رابطه مهمی دارد .

## هوش هیجانی

از نظر بار - اون (۱۹۹۰) هوش هیجانی شامل دسته ای از توانایی ها و مهارت‌های هیجانی و اجتماعی می شود که موفقیت فرد را برای مقابله با فشارهای محیطی حل تعارضات درونی افزایش می دهد .

میر و سالووی از پیشکسوسستان نظریه هوش هیجانی معتقدند هوش هیجانی شامل توانایی نظارت بر احساسات و هیجانات خود و دیگران ، تشخیص و تفکیک احساسات خود و دیگران و استفاده از اطلاعات و دانش هیجانی در هدایت و کنترل تفکر و ارتباط مناسب با خود و دیگران می شود .

گلמן نام مشهور و همراه هوش هیجانی این توانایی را از توانایی های شناختی جدا کرده و از نظر او هوش هیجانی شیوه های استفاده بهتر از توانایی های شناختی از طریق خود کنترلی ، اشتیاق و خود انگیزی و پشتکار را شکل می دهد . از نظر گلמן هوش هیجانی نوع دیگری از هوشمندی است که به عنوان مثال به ما نمی گوید در طول دوران تحصیل چه نمره ای گرفته ایم بلکه بیشتر به این نکته می پردازد که ما تا چه اندازه می توانیم حساسات و ارتباطات خود را کنترل کنیم . گلמן نیز معتقد است هوش هیجانی دارای هم عناصر درونی و هم عناصر بیرونی است . عناصر درونی شامل ، خود آگاهی ، هدفدار بودن ، توان خود انگیزی ، خود پنداره ، عزت نفس ، تمایل به احساس استقلال ، قاطعیت ، ظرفیت فرد برای قبول واقعیات ، انعطاف پذیری در برابر واقعیات ، میل به خود شکوفایی ، توانایی حل مشکلات هیجانی و مقابله با استرسها و تکانه ها - و عناصر بیرونی شامل توانایی تنظیم روابط بین فردی ، سهولت در ابراز همدلی و احساس مسئولیت در مقابل دیگران می شود.

## عزت نفس

از اجزای مهم دیگر خود آگاهی « عزت نفس » یا اعتماد به نفس می باشد. عزت نفس کلید اصلی بهداشت روان است. عزت نفس منوط به میزان احترام و ارزشی است که فرد برای خود قائل است. چنانچه قضاوت ما نسبت به ارزشهایی که داریم مثبت باشد دارای

عزت نفس مثبت و چنانچه قضاوت ما منفی باشد دارای عزت نفس ضعیفی هستیم. برای بالا بردن عزت نفس خود سعی کنید روابط اجتماعی خود را گسترش دهید و با دوستان زیادی ارتباط برقرار کنید، با خانواده خود ارتباط گرم و مستمر داشته باشید. اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را به گونه‌ای طراحی کنید که بتوانید به آنها دسترسی پیدا کنید. نقاط ضعف خود را بعد از شناسایی برطرف کنید و به شناسایی نقاط قوت خود بپردازید. هرگز خود را با دیگران مقایسه نکنید چون این ارزیابی منطقی نخواهد بود. خویشتن پذیر باشید. یعنی، احساس غرور نمائید. مثبت فکر کنید و همیشه سعی کنید نیمه پرلیوان را ببینید. افرادی را بیابید که بتوانید از آنها چیزی بیاموزید. اتفاقات ناخوشایند زندگی خود را بپذیرید. بر عادات ناپسند خود غلبه نمایید. از هیچ چیز نترسید، چون ترس از موانع اعتماد به نفس است. خود را به دیگران وابسته نکنید و حتی المقدور به دیگران کمک کنید. همه را ببخشید. روح خود را آزاد کنید، نفرت را به دل راه ندهید.

## بحث خودآگاهی

آیا ماهیت خودآگاهی نهایتاً از پرسشی فلسفی به پرسشی علمی بدل شده است که می‌توان آن را با انجام آزمایش‌ها تعیین کرد؟ پاسخ در این مورد مانند هر موضوع مرتبط به آن، بستگی به کسی دارد که این پرسش را از او می‌کنید. اما به نظر می‌رسد که علاقه علمی به این پرسش قدیمی و دشوار دارد افزایش می‌یابد. البته تا به حال گرچه نظریه‌ها فراوان بوده‌اند، داده‌های دقیق اندکند. گفتمان حاکم درباره خودآگاهی به شدت تحت تاثیر رنه دکارت فیلسوف فرانسه قرار داشته است که در میانه قرن هفتم اظهار کرد که جسم و ذهن ماهیتی کاملاً متفاوت دارند. دکارت نتیجه می‌گیرد که باید این چنین باشد زیرا جسم هم در زمان و هم در مکان قرار دارد، در حالی که ذهن بعد مکانی ندارد. بررسی‌های با سوگیری علمی اخیر عموماً این راه حل را رد می‌کنند؛ اغلب آنها ترجیح می‌دهند که جسم و ذهن را جنبه‌های متفاوتی از یک چیز واحد تلقی کنند. خودآگاهی از این دیدگاه از خواص و سازماندهی سلول‌های عصبی در مغز پدیدار می‌

شود. اما چگونه؟ و چگونه دانشمندان با سرسپردگی شان به مشاهده عینی و اندازه گیری، به قلمروی ذاتاً خصوصی و ذهنی خودآگاهی دست می یابند؟

برخی بینش ها در این مورد از بررسی کردن بیماران دچار ضایعات عصبی به دست آمده که به علت این ضایعات خودآگاهی شان تغییر یافته است. آسیب به ساختارهای معین از لحاظ تکاملی باستانی در ساقه مغز خودآگاهی فرد را کاملاً می زداید و فرد را در حالت اغما یا حالت نباتی مداوم باقی می گذارد. گرچه این نواحی ممکن است کلید اصلی خودآگاهی باشند، نامحتمل است که تنها منبع خودآگاهی را تشکیل دهند. احتمالاً جنبه های متفاوت خودآگاهی در نواحی متفاوت مغز تولید می شوند.

برای مثال آسیب به نواحی بینایی در قشر مخ می تواند نقصان های عجیبی که محدود بر آگاهی بینایی هستند به وجود آورد.

در بیماری ای به نام دی اف که کاملاً مورد بررسی قرار گرفته است، ناتوانی در شناسایی شکل ها یا تعیین کردن جهت یک شکاف در یک دیسک عمودی وجود دارد. با این حال هنگامی از این بیمار خواسته می شد که یک کارت را بردارد و آن را از میان شکاف بگذراند، او به آسانی از عهده این کار برمی آمد. دی اف در یک سطح آگاهی باید جهت شکاف را در دیسک بداند تا قادر به انجام این کار باشد، اما در عین حال ظاهراً او نمی داند که دارای این آگاهی است. آزمایش های با طراحی هوشمندانه می تواند جداسازی مشابهی را میان شناخت ناخودآگاه و خودآگاه در افراد مبتلا به ضایعات عصبی به وجود آورد. و پژوهشگران امیدوارند که اسکن کردن مغزهای افراد در حال انجام دادن چنین آزمایش هایی شواهدی را در مورد فعالیت عصبی ضروری برای هوشیاری خودآگاه به دست دهد. بررسی روی میمون ها نیز ممکن است برخی جنبه های خودآگاهی، به خصوص آگاهی بینایی را مشخص کند. یک رویکرد تجربی به این موضوع آن است که خطایی بصری را در میمون به وجود آوریم که «ادراک دوگروهی (bistable percept)» را باعث شود، یعنی شیء ای که در یک لحظه یک چیز به نظر می رسد و در لحظه دیگر چیزی دیگر. (آزمایش ها با مکعب نوسان دهنده توجه «نکر» مثال مشهودی در این